

نقد نگارشی یک رأی

افزون بر ده سال است که درسی به نام آیین نگارش در شمار مواد درسی کارآموزان قضایی قرار گرفته است. تا جایی که به یاد دارم من خود از نخستین کسانی بودم که بر شایستگی این ماده درسی پای فشردم و آنگاه که ضرورت آن به تصویب

رسید لاجرم قرعه فال به نام من پیشنهاد دهنده زدن و هنوز که هنوز است از رهگذر همین کلاسهاست که با نوآمدها به عدلیه دیدارهایی دارم. بی تردید کشاندن نگاهها به سوی شیوه‌های شیوای نگارشی کاری دلپذیر می‌نماید و در همان حال در سودمند بودن آن نیز هیچ شکی نداشته‌ام و ندارم. لیکن دو مطلب وجود دارد که نقد مستقیم آراء و احکام را بیش از پیش توجیه کند؛ یکی این که در کلاسهای درس بیشتر به آیین درست نویسی پرداخته می‌شود و برای نقد عملی مجال کمتری وجود دارد. دو دیگر این است که البته همه همکاران جوان ما این کلاسها را ندیده‌اند، از این روی و به پیشنهاد سردبیر محترم ماهنامه فضاوت بر آن شدم تا در هر شماره رأیی، فراری و حکمی را از نظر و نگاه نگارشی مورد بحث و بررسی قرار دهم تا از این راه، سفارشهای نگارشی به گونه‌ای کاربردی در بوته نقد قرار گیرد و نخستین نمونه حکمی است به تاریخ ۸۲/۶/۵ از دادگاه عمومی تهران.

رأی دادگاه

در خصوص شکایت آقایان «م» و «ع» بر علیه آقای «ب» فرزند «ل» دایر بر فراری دادن متهم «د-ک»، توجهاً به شکایت شکاة، تحقیقات معموله، اینکه شکاة در توضیح شکایت خود اعلام نموده‌اند متشاکلی داماد متهم متواری می‌باشد که با صدور چک‌های بلامحل به ایشان بدهکار بوده و متشاکلی در متواری و مخفی نمودن وی با او همکاری و مانع از دستگیری ایشان می‌شود، انکار متشاکلی در مراحل مختلف رسیدگی و اینکه رونوشت گزارشات مأمورین که در خصوص مراجعه به مخفیگاه متهم متواری تنظیم گردیده حکایت از عدم همکاری خانواده او با مأمورین جهت دستگیری دارد که این امری طبیعی بوده و مأمورین انتظامی می‌بایست با استفاده از فنون و شگردهای پلیسی در خصوص دستگیری به مجرمین اعلام نمایند و سایر محتویات پرونده دلیلی که حکایت از انتساب بزه به متشاکلی نماید در پرونده موجود نبوده، مستنداً به بند الف ماده ۱۷۷ قانون آئین دادرسی کیفری قرار منع پیگرد صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره حضوری و ظرف ۲۰ روز از ابلاغ قابل اعتراض و رسیدگی در دادگاه تجدیدنظر استان می‌باشد.

اکنون با خواندن رأی در باز نمودن چند نکته همراه شما خواهیم بود:

۱- ساختار باسسه‌ای و کلیشه‌ای رأی همان

و تبعیت صفت از موصوف در نشر فارسی نه تنها لازم نیست بلکه به لحاظ نزدیک کردن جمله به زبان عربی، پسندیده نیست. می‌توان به جای ترکیب یاد شده از پژوهشهای گوناگون، تحقیق‌هایی که به عمل آمده است و عبارتهایی مانند آن استفاده کرد.

۸- به کار بردن «نموده‌اند» به جای «کرده‌اند» اگر چه مصطلح می‌باشد اما فصیح نیست؛ نمودن یعنی نمایش دادن و نشان دادن و ارائه دادن. بهتر است بنویسیم اعلام کرده‌اند نه اعلام نموده‌اند.

۹- کلمه «متشاکلی» به جای «متشکلی عنه» غلط است، این واژه که در متن گزارشهای مأموران ضابط دادگستری فراوان دیده می‌شود، سزاوار نیست که بر قلم قاضی جاری شود.

۱۰- استفاده از ضمیر «ایشان» برای مفرد، زیبا نیست بویژه که غرض قاضی، تکریم متهم فراری هم نیست. به جای این ضمیر از «او-وی» یا همان متهم می‌توان استفاده کرد.

۱۱- در زبان فارسی نشانه جمع «ها» به مفرد پیوسته نوشته می‌شود مانند درختها و سنگها، پس نوشتن «چک‌ها» غلط است باید «چکها» نوشته شود.

۱۲- واژه‌های فارسی و فرنگی را هرگز با نشانه جمع مؤنث عربی یعنی «الف و ت» جمع ننیدید که اصلاً قابل دفاع نیست؛ بنابراین نوشتن گزارشات، پیشنهادات و فرمایشات غلطی زننده و نازیباست.

۱۳- به همان دلیل که گفتم نشانه جمع فارسی فقط در «ان» و «ها» خلاصه می‌شود. استفاده از جمعیهایی مانند «مجرمین»، ضابطین و مأمورین» درست نیست. چرا که بدون جهت نوعی از جمع مجرور عربی را مورد استفاده قرار داده‌ایم. پس بهتر است نوشته شود «مأموران»، مجرمان و ضابطان».

۱۴- گروه واژه‌های خانواده «بایست»، بایستی و می‌بایست» در واقع همان معنایی را دارند که گروه واژه‌های خانواده «باید بایندی و می‌باید» لیکن باید توجه کرد که گروه اول با فعلهای گذشته در کنار هم قرار می‌گیرند و گروه دوم با فعلهای آینده به عنوان مثال باید بنویسیم: «می‌بایست اعلام می‌شد» و «باید اعلام کنند»، در رأی «می‌بایستی» را با فعل «اقدام نمایند» آورده است که تناسبی ندارد.

۱۵- عددهایی که در متن رأی آورده می‌شود بهتر است با «حرف» نوشته شود و نه با «رقم»؛ مثلاً بنویسید؛ «ظرف بیست روز» و نه «طرف ۲۰ روز» و این توصیه برای خود دلیلهای گوناگونی دارد که در جای دیگر توضیح خواهیم داد.

در پایان یادآوری می‌کنند که در رأی مورد بحث هنوز هم لغزشهای نگارشی جز آن چه نوشتیم دیده می‌شود اما تا بر طولانی شدن بحث جلو گرفته باشیم به دیگر موارد، ضمن نقد رأیی دیگر و در شماره آینده اشاره خواهیم کرد

چیزی است که در نخستین نگاه با خواننده رأی به جدال بر می‌خیزد، از بس که ترکیب «در خصوص...» کهنه شده است. سفارش همیشگی این کمترین به همکاران جز این نبوده است که در طراحی شکل کار نوآوری کنند و هرگز از شکستن قالبهای سنتی پروایی نداشته باشند. در همین مورد اگر رأی با جمله «آقایان...» در شکایتی بر... آغاز می‌شد، دست کم با گونه‌ای تازگی همراه می‌بود.

۲- دلایلی که برای منع پیگرد تدارک دیده شده است نامرتب و از هم گسیخته و با جمله‌هایی غیر منسجم همراه است. در حالی که همین دلایلها می‌توانست با نظمی عددی با عبارتی همراه باشد.

۳- لازم بود شاکبان و متهم به نحو کامل معرفی شوند تا اختصار و اجمال موجب ابهام نگردد بویژه که برخی از آراء از طریق چاپ در روزنامه به اطلاع همگان می‌رسد.

۴- در جهت تنوین زدایی از نشر فارسی می‌شد به جای توجهها از ترکیب دیگری سود برده مانند با توجه به، یا نظر به.

۵- استفاده فراوان از جمعهای مکسر و سالم عربی مانند شکاة، تحقیقات، مراحل، مأمورین و مجرمین اگر هم به لحاظ املائی و ادبی غلط نباشد، مخل فصاحت و مزاحم فارسی نویسی است.

۶- بر واژه‌های اصلاً عربی، هنگامی که به حرف «ت» پایان گرفته باشند نگارشی ویژه حاکم است بدین معنا که اگر حرف «ت» تلفظ شود باید کلمه را با حرف «ت» کشیده نوشت مانند شکات، قضات، قدرت و آیت. اما اگر حرف «ت» به تلفظ در نیاید آن را به صورت «ة» گرد نشان می‌دهند مثل علیه الرحمه، ترکیبهایی مانند دایرة المعارف به گونه استثناء قابل تحمل می‌نماید. بنابراین واژه شکاة صورت نگارشی درستی ندارد باید شکات نوشته شود.

۷- ترکیب تحقیقات معموله با رعایت تذکر و تانیث